

الله اعلم

تیر خلاص

بر اساس زندگی سردار شهید علی اثنی عشری (کوثری)

www.ketab.ir

نویسنده: علی اصغر حسین زاده فر (کوثری)

اداره‌ی کل حفظ آثار و نشر ارزش‌های
دفاع مقدس استان مازندران

پیش‌گفتار
پیش‌گفتار

سرشناسه: حسین زاده‌فر، علی اصغر، ۱۳۵۷ - Hosseinzadefar, Aliasghar -
عنوان و نام پدیدآور: تیر خلاص: بر اساس زندگی سردار شهید علی اثنی عشری (کوثری) / نویسنده
علی اصغر حسین زاده‌فر (کوثری)؛ اداره‌ی کل حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس استان مازندران.
مشخصات نشر: تهران: پیام کتاب، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری: ۱۴۰ ص. : ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م.
شابک: 978-600-7650-41-7

وضعیت فهرست نویسی: فیبا
عنوان دیگر: بر اساس زندگی سردار شهید علی اثنی عشری (کوثری).
موضوع: اثنی عشری، علی، ۱۳۴۰ - ۱۳۷۸.
موضوع: جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷ -- شهیدان -- خاطرات
Martyrs -- Diaries -- 1988-Iran-Iraq War, 1980
شهیدان -- ایران -- مازندران -- سرگذشتنامه
Martyrs -- Iran -- Mazandaran -- Biography
شهیدان -- ایران -- مازندران -- بازماندگان -- خاطرات
Martyrs -- Iran -- Mazandaran -- Survival
شناسه افزوده: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس. اداره کل حفظ آثار و نشر ارزش‌های
دفاع مقدس استان مازندران
رده بندی کنگره: DSR1۶۲۶
رده بندی دیویی: ۹۵۵/۰۸۴۳۰۹۲
شماره کتابشناسی ملی: ۸۶۹۶۵۱۰
اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیبا

خلاص



اداره‌ی کل حفظ آثار و نشر ارزش‌های
دفاع مقدس استان مازندران



ناشر: انتشارات پیام کتاب
نویسنده: علی اصغر حسین زاده فر (کوثری)
ویراستار: فریبا فاتحی نیکو
مدیر تولید: علی فاتحی نیکو
کارشناسان اداره کل: سید محمد صادقی سنگدهی - مسعود امیرخانی
تیراژ: ۱۰۰۰ جلد
چاپ: ۱۴۰۰
چاپخانه: گلپان

تهران - میدان انقلاب خیابان کارگر جنوبی کوچه مهدی زاده پلاک ۴ واحد ۵

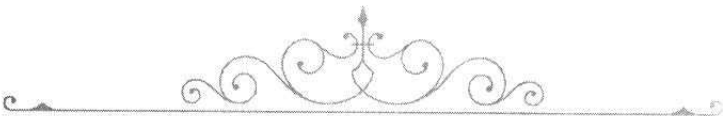
قیمت: ۶۲۰۰۰ تومان

تلفن: ۶۶۵۶۸۰۵۰ - ۶۶۵۶۸۰۶۰

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به انتشارات پیام کتاب می باشد.

این اثر با حمایت اداره‌ی کل حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس
استان مازندران به زیور طبع آراسته شد.

۲۲۹۴۴۹۷



فهرست

۱۱	مقدمه
۲۱	تیر خلاص
۲۵	دلنوشته اول
۲۶	دلنوشته دوم
۲۷	دلنوشته سوم
۲۸	دلنوشته چهارم
۲۹	سردار خاکی
۳۰	عشق به روضه
۳۱	به فکر همزمان
۳۲	پرهیز از محرمات
۳۳	در کنار امام(ره)
۳۴	فقط شهادت
۳۵	شوق کربلا
۳۶	مداح کوچولو
۳۷	تاثیر روضه‌ها
۳۸	ابوعلی
۳۹	نخستین مجروح
۴۱	سور رفتن به حوزه

۴۲	کمک به مستمندان
۴۳	شب‌های چهارشنبه
۴۴	شب‌های قدر
۴۵	زیارت عاشورا
۴۷	انجام واجبات
۴۸	گریه برای حسین(ع)
۴۹	ایشار و از خودگذشتگی
۵۰	دعای توسل
۵۱	شهید کریم آزادی
۵۲	دشمنی با منافقین
۵۳	سرکشی از خانواده‌های شهیدان
۵۴	امید به شهادت
۵۵	انفاق
۵۶	ما را هم بیدار کن
۵۷	ختم قرآن
۵۸	علت شیمیایی شدن
۵۹	نخستین دیدار
۶۰	سجده
۶۱	شال سبز
۶۲	فوتبال
۶۳	کیسه
۶۴	خشم شب

۶۵	کمک به تهیدستان
۶۶	هر روز بهتر از دیروز
۶۷	وظیفه شناس
۶۸	شکسته نفسی
۶۹	دادن خمس و زکات
۷۰	آب هست؟
۷۱	روزه
۷۲	پارتنری بازی، هرگز!
۷۳	معامله با خدا
۷۴	پس انداز
۷۵	برای پدر
۷۶	ماجرای آن بسته
۷۷	لا اله الا ...
۷۸	بوی خوش
۷۹	جانشین تیپ
۸۰	بمباران هوایی
۸۱	بازی فوتبال
۸۲	ادای قرض
۸۳	آن شب سرد
۸۴	حال دعا
۸۵	عاقبت به خیر
۸۶	اعتقاد به دعا

مقدمه

نفس هایش به شماره افتاده بود. هر وقت سرفه می کرد، دست روی سینه می گذاشت، می فشرد و بعد سرفه می نمود. معلوم بود که از شدت سرفه سینه اش درد دارد. در لابلای صحبت هایش، هر وقت که سرفه می کرد، می فهمیدی که: نقطه سر خط! سر خط، یعنی مجروح شدم؛ یعنی باز هم مجروح شدم. یعنی از بیمارستان به قصد رفتن به جبهه فرار کردم. یعنی از سال ۵۹ تا ۶۷، حضور ممتد در عملیات. پشت سر هم اصابت ترکش در پا، و در دستی که وبال گردن شده است. یعنی حضور در جبهه با سر باندپیچی شده، با داغ یاران سفر کرده، و حتی با تیر خلاص خورده و... از سرفه هایش می فهمیدی که حادثه شیمیایی شدن، امانش را بریده تا پر پرواز به او بیخشد. پرواز تا اوج بی نهایت، تا همان جایی که بصیرها، اسدی ها، ربیع نتاج ها، صباغی ها، سیفی ها و... عروج کردند و عروج ملکوتی او را به انتظار نشستند.

اوایل بهار بود که من و مهدی به دیدارش رفتیم. در نگاهش خوانده می شد که چیزی تا لحظه پرواز نمانده است. باورم نمی شد او همان سرداری است که قله های سرد کردستان و خاک های گرم خوزستان بوسه بر نعال رزمش می زدند. همان سرداری که بوفلفل، دوبازا، شلمچه، جزیره مینو و... شجاعتش را می ستودند، و هفت تپه و دو کوهه، هنوز هم سوز دعای کمیل و توسل و ندبه هایش را آرزو داشتند، و می خواستند که او باز گردد و یک بار دیگر در دل شب، رو به قبله نماز شب را اقامه کند.